

بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی - ناحیه ای

قسمت دوم و پایانی

دکتر علیرضا استعلاجی - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

روشها و تکنیکهای مشارکتی^{۴۶}

در برنامه ریزی از روشها و تکنیکهای مختلفی برای مشارکت مردم و گروههای هدف استفاده می شود. لذا بنا به اهمیت مشارکت در برنامه ریزی توسعه و توجه به خودتکایی روستاییان در این راهبرد به برخی از این روشها که بسیار مطرح می باشند، اشاره می شود.

۱- فن ارزیابی مشارکت وضعیت روستا (PRA) ۲۷

این فن در اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان جایگزین برای پیمایشهای رسمی و برای اخذ دانش بومی از اجتماعات روستایی طراحی شده است. (این ارزیابی بر پایه فنون کیفی جمع آوری داده ها نظیر نقشه و مدل استوار است) یعنی زمانی که فن ارزیابی سریع وضعیت روستا (PRA) ۲۸ توسط موسسه مطالعات توسعه دانشگاه ساسکس انگلستان ابداع شد، در واقع تکنیک فوق توسط سازمانهای غیردولتی در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ارائه شد. این فن به اعتقاد مدافعان آن ترکیبی از فنون نوین پژوهشی است که در نقاط قوت وضعف روستا (وضع موجود) با مشارکت مستقیم اقلات مختلف روستایی

مشخص می شود. بنابر تعریف، تکنیک فوق مطالعه مشکلات روستاییان توسط خود روستاییان برای روستاییان را شامل می شود و در آن پژوهشگر تنها نقش واسطه یا تسهیل کننده را بازی می کند.

از دیگر مزایای این فن، ملاحظه جنبه های کمی و کیفی مسائل و نیز آگاه سازی روستاییان و تواناسازی آنان در حل مشکلات و مسائل خودشان است. به عبارت دیگر روشهای PRA و RRA ابزاری هستند برای برقراری ارتباط مستقیم و گفتگو و طرح مباحث بین برنامه ریزان، روستاییان و گروههای مورد نظر. این روشها به دست اندرکاران برنامه ریزی در شناخت مشکلات و افزایش راه حل های کاهش مشکلات کمک می کند که در نهایت ویژگیهای اساسی این روشها عبارتند از: کار گروهی میان رشته ای، استفاده واقعی از دانش بومی، مطابقت دادن، استفاده از نمونه گیری هدفمند، انعطاف پذیری و استفاده از قضاوت آگاهانه.^{۴۹}

دیدگاه مدیریت دوره کامل پروژه (PCM) ۵۰

این روش که در واقع در آلمان ابداع و ارائه شده، در اصل نوعی واکنش نسبت به انتقاداتی

است که در مورد برنامه کمکها یا همکاریهای فنی آلمان به کشورهای در حال توسعه اظهار شده است. این انتقادها عموماً در مواردی چون عدم مشارکت (یا مشارکت ناچیز) دریافت کنندگان در طراحی و انتخاب پروژه، مداخله مستقیم و بیش از حد کمک دهندگان در امور پروژه و سرانجام عدم استمرار همکاریهای بین المللی در توسعه روستایی مطرح شده است.

در این دیدگاه نوعی نظام مدیریت پروژه مطرح است که کلیه مراحل یک پروژه یا برنامه اجرایی از مرحله شناسایی و تبیین مسئله تا مرحله طراحی و اجرای آن را در بر می گیرد. به عبارت دیگر، دیدگاه مدیریت دوره کامل پروژه بر این فرض تأکید دارد که مالکیت با مسئولیت برنامه های اجرایی (یا پروژه ها) باید بر عهده مسئولان و مردم محلی باشد. لذا در این دیدگاه مراحل اصلی مدیریت چرخه پروژه به قرار زیر است:

- شناسایی و تشخیص: شامل شناسایی گروههای هدف، تشخیص مشکلات و مسائل، کمک به مفهوم پروژه (مشاهده مشارکتی، تهیه نقشه ها و مصاحبه)
- تدوین و آماده سازی پروژه: تحلیل محدودیتهای، طراحی ساختارهای مشارکتی

در شکل گیری سلسله مراتب فضایی سکونتگاهها، میزان جمعیت، عامل اصلی به شمار می رود. تراکم جمعیت در بالاترین سطح سلسله مراتب، زمینه های مساعدی برای کارکردهای تخصصی مراکز بزرگتر ایجاد می کند. در جامعه روستایی تقاضا محدود است، در حالی که در جامعه بزرگ شهری تقاضا بیشتر و در نتیجه نیازهای تخصصی در بالاترین سطح عرضه می شود.

- اجرای پروژه: تشکیل گروههای بسیج
- اجتماعات محلی
- ارزیابی پروژه: افراد ذینفع و برآورد تأثیر اجتماعی

روش برنامه ریزی پروژه: برنامه اجرایی بر مبنای هدف ZOPP

این روش برنامه ریزی که در آلمان طراحی شده و ظهور یافته، روش برنامه ریزی الزامی در چارچوب دیدگاه مدیریت دوره کامل پروژه است و اجرای اصلی آن عبارتند از:

- رویه ساختاری شده تحلیل و برنامه ریزی برای تبیین وضع موجود و تعیین پروراندن مفاهیم پروژه

- دیدگاه کار گروهی

- روش دیداری

- تسهیل فرایند

در واقع این روش یک تکنیک ارتباطی ساختاری شده برای تبیین وضع موجود در تصمیم گیری در مورد پروژهها و برنامه های اجرایی توسعه است و گامهای اصلی آن عبارتند از:

- تبیین و تنظیم نظام اهداف (شناخت پروژه)

تشریح وضعیت و مسائل موجود

تعیین اهداف توسعه

تعیین اهداف پروژه

تعیین راهبردهای پروژه (ساخت مفاهیم پروژه)

شناخت راهبردهای ممکن

تعیین و انتخاب راهبرد مناسب

تشریح شرایط ساختاری، سازمان پروژه و تأمین منابع مالی

ارزیابی پروژه برحسب معیارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی

تهیه شناسنامه پروژه

همراه با این مراحل اقدامات مختلفی صورت می گیرد که تحلیل وضعیت (شامل تحلیل چگونگی مشارکت و سهم عوامل مختلف) و نیز تحلیل مسئله و امکانات موجود از آن جمله هستند. علاوه بر آن تحلیل راهبردهای جانشین و برنامه ریزی (شامل برنامه ریزی عملیاتی و راهبردی) در نظر قرار می گیرد. ۵۱



۲-۴-۲- رویکرد فضایی، ناحیه‌ای و منطقه‌ای

۱-۲-۴-۲- راهبردهای تحلیل مکانی

از راهبردهای حاصل از این رویکرد، راهبردهایی است که در غالب نظریه‌های تحلیل مکانی ارائه شده است که به شرح زیر توضیح داده می‌شود. یکی از علمی‌ترین نظریه‌ها و تئوریهایی که در زمینه ساخت سکونتگاهها عنوان گردیده است، نظریه «مکان مرکزی» والتر کریستالر^{۵۲} است که آن را در سال ۱۹۳۳ در کتاب خود به نام «مکانهای مرکزی در بخش جنوبی آلمان» منتشر ساخت. این نظریه تا دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار نگرفت. تا این که در سال ۱۹۶۶ به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر شد و از آن زمان به بعد اساس مطالعات شهری، روستایی و ناحیه‌ای قرار گرفت. دلیل آن مطرح شدن شاخه جغرافیای شهری در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود و در آن از روشهای علمی، تجربی و اصول مکتب پوزیتیویسم منطقی به صورت گسترده‌ای

تئوری مکان مرکزی بوده‌اند. این دانشمند در سال ۱۹۴۰ به همراه «اگوست لوش»^{۵۵} سازمان فضایی اقتصادی را تهیه نمود. نظریه مکان مرکزی بر اساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاههای انسانی است و هدف اصلی آن شرح و تبیین سازمان فضایی سکونتگاهها و حوزه نفوذ آنهاست.

الف) کاربری زمینهای کشاورزی

این نظریه برای اولین بار به وسیله اقتصاددان آلمانی «ج.اچ. وان تونن» به منظور تحلیل شیوه‌های استفاده از زمینهای کشاورزی مطرح شد که نکات زیر خطوط کلی آن را تشکیل می‌دهد:

- در هر منطقه کشاورزی، نظام خاصی از فضای زندگی بر اساس فعالیت‌های کشاورزی در اطراف بازار تشکیل می‌شود.
- شدت فعالیت‌های کشاورزی، به تناسب فاصله گیری از بازار در قلمرو منطقه کاهش می‌یابد.
- با آزمون این نظریه در نقاط مختلف،

ب) مکان یابی صنایع

این نظریه برای اولین بار توسط «آلفرد وبر» و «ادگار هور»^{۵۶} اقتصاددانان آلمانی ارائه شد. بر پایه نظریه مکان یابی صنایع، همه صاحبان کارخانه‌های صنعتی تلاش می‌کنند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود انتخاب کنند که حداقل هزینه را در تولید به دست دهد و توزیع تولیدات کارخانه در بازار نیز با حداقل

آستانه هر کالا یا خدمات جایی است که در آن حداقل تقاضا وجود دارد. کالاها و خدمات گوناگون، هر یک آستانه ویژه خود را دارند. برخی از کالاها و تولیدات دارای آستانه محدودی هستند، مثل خوار و بار فروشیها، نانوائیها و نظایر آن. در حالی که برخی از خدمات مانند بانکها، دفاتر اداری و... از آستانه گسترده‌ای برخوردار می‌باشند.

هزینه عملی گردد. روشن است که از میان هزینه‌ها، هزینه حمل و نقل مهم به نظر می‌رسد. درباره این نظریه مطالعات بسیاری انجام گرفته حلقه زنجیری از جریان کالا، خدمات و اطلاعات، با حداقل ارتباط میان این عوامل به دست آمده است. مجموعه این عوامل به شکل حلقه زنجیر در ارتباط با هم، مکان یابی صنایع را تعیین می‌کنند.

پ) نظریه مکان مرکزی

اساس این نظریه از کار دو محقق یکی جغرافیدان (والتر کریستالر) و دیگری اقتصاددان (اگوست لوش) به دست آمده

سرانجام در مباحث شهری - روستایی و ناحیه‌ای نیز مورد استفاده قرار گرفت. استفاده از این نظریه در تحلیل‌های شهری، نحوه استفاده از زمین در شهرها را مبتنی بر نظامی خاص می‌نمود. بدین سان که قیمت زمین همواره به موازات فاصله گیری از مرکز شهر کاهش می‌یابد.

تونن در تحلیل روابط شهر و روستا، بر جریان تولیدات کشاورزی در بازار شهرها توجه دارد و نظریه وی مبتنی بر استقرار کشتهای متفاوت در اراضی (جلگه هماهنگ یکنواخت) اطراف بازار شهری است. تونن در مطالعات خود به این نتیجه رسید که در

استفاده می‌شد. متخصصان این رشته با پذیرش علم جغرافیا به عنوان تحلیل گر فضای زیست، از نظریات برجسته در رابطه با تقسیم بندی فضایی - مکانی و ساماندهی فضا استفاده نمودند. به عبارت دیگر از دهه ۱۹۶۰ به بعد نگرش به قوانین علمی بیش از اندیشه نگاری مورد توجه قرار گرفت.

کارهای اولیه دانشمندان در رابطه با ساماندهی فضا، عنوان نظریات علمی «جی.اچ. فون تونن»^{۵۳} (کاربری زمینهای کشاورزی)، «آلفرد وبر»^{۵۴} (مکان گزینی صنعتی، ۱۹۰۹) است که همه این نظریات به نوعی اساس کار والتر کریستالر در تحلیل

است. این نظریه به طور ساده عبارت از «هر مکانی که موقع مرکزی می‌یابد، با تولید و توزیع هرچه بیشتر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف یا منطقه نفوذ به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد که از این رو مکانهایی که موقعیت مرکزی می‌یابند خدمات بیشتری را در خود متمرکز می‌سازند. در این نظریه، مرکزیتها با نظامی سلسله مراتبی عمل می‌کنند و عرضه خدمات هر مرکز به حوزه نفوذ خود همواره تابع نظام ویژه و معینی است. اساس این نظریه سلسله مراتبی، مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد است. طبق این نظریه، خریداران کالاها و خدمات مورد نیاز را از نزدیکترین بازار فروش قابل دسترسی تهیه می‌کنند. سطوح مختلف تاسیسات خدماتی، سطوح مختلف عملکردها را سبب می‌شود.

با توجه به موارد مذکور در نظریه کریستالر، مفهوم آستانه کالا و خدمات و سپس مفهوم محدوده بازار فروش کالا و خدمات، دارای اهمیت است. همچنین هزینه حمل و نقل و آمد و شد برای خرید کالا و خدمات نیز

از مواد تعیین کننده محسوب می‌شود. یعنی مصرف کنندگان کالا و خدمات

برای گریز از پرداخت

هزینه زیاد آمد و شد، به نزدیکترین مکان مرکزی مراجعه می‌کنند؛ حال در صورتی که مصرف کننده‌ای به مکان مرکزی دورتری مراجعه کند و هزینه مسافرت بیشتری را بپردازد، باید کالا و خدمات کمتری بخرد. این تأثیر عارضی فاصله از طریق

پرداخت هزینه حمل و نقل به واقعیت می‌رسد. نتیجه این عملکرد، کاهش تقاضا با توجه به عامل فاصله از مکان مرکزی است. روشن است که علاوه بر هزینه اضافی حمل و نقل، مدت زمان صرف شده نیز از عوامل اصلی در عدم مراجعه به مکان مرکزی دورتر خواهد بود.

در شکل گیری سلسله مراتب فضایی سکونتگاهها، میزان جمعیت عامل اصلی به

شمار می‌رود. تراکم جمعیت در بالاترین سطح سلسله مراتب، زمینه‌های مساعدی برای کارکردهای تخصصی مراکز بزرگتر ایجاد می‌کند. در جامعه روستایی تقاضا محدود است، در حالی که در جامعه بزرگ شهری تقاضا بیشتر و در نتیجه نیازهای تخصصی در بالاترین سطح عرضه می‌شود. تکنولوژی حمل و نقل نیز به نحوی شکل گیری نظام سلسله مراتبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین سان که با حمل و نقل سریع و ارزان ممکن است مصرف کنندگان کالا و خدمات از مراجعه به مراکز کوچکتر منصرف شوند و با طی مسافت زیاد به مراکز بزرگتر و تخصصی تر مراجعه کنند تا به کالاها و خدمات بهتر و تخصصی تر دست یابند.

مفهوم آستانه

آستانه در کارکردهای مکان مرکزی عبارت از حداقل سطح



تقاضا نسبت به حمایت از یک فعالیت اقتصادی است.

در واقع آستانه بخشی از یک مکان است که در آن حداقل فروش از طریق یک مؤسسه، یک شرکت یا یک بنگاه اقتصادی برای ادامه فعالیتهای اقتصادی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر آستانه، حداقل میزان نفوذ بازار است که در آن یک مکان، ناتوان از عرضه کالای مرکزی است. بنابراین آستانه کالاها و خدمات همواره با آستانه میزان جمعیت در ارتباط است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که آستانه هر کالا یا خدمات جایی

است که در آن حداقل تقاضا وجود دارد. کالاها و خدمات گوناگون، هر یک آستانه ویژه خود را دارند. برخی از کالاها و تولیدات دارای آستانه محدودی هستند، مثل خواروبار فروشیها، نانوبیها و نظایر آن. در حالی که برخی از خدمات مانند بانکها، دفاتر اداری و... از آستانه گسترده‌ای برخوردار می‌باشند.

مفهوم حوزه نفوذ

حوزه نفوذ بازار برای فروش کالا و عرضه خدمات، حداکثر فاصله‌ای است که یک مصرف کننده تمایل به طی آن دارد تا کالا و خدمات مورد نیاز خود را با قیمت معین از مکان مرکزی تهیه کند. در مکان مرکزی معمولاً هر کالایی برای فروش، محدوده فروش ویژه‌ای دارد که خارج از آن نمی‌تواند خریدار پیدا کند. حوزه نفوذ بازار فروش کالا و خدمات، به دو بخش تقسیم می‌شود؛ محدوده داخلی بازار فروش و محدوده خارجی بازار فروش که با حداقل میزان مصرف کالا مشخص می‌شود. کالاها و خدماتی که در یک مکان مرکزی بزرگتر عرضه می‌شوند، محدوده‌ای بزرگتر از محدوده بازار فروش مکان مرکزی کوچکتر خواهند داشت. از این رو در نظام سلسله مراتبی، بزرگترین کانون دارای محدوده بازار فروش وسیعی خواهد بود. با وجود این، هر نوع کالایی محدوده بازار فروش ویژه خود را دارد. محدوده بازار فروش هر کالا، از شرایط زیر تبعیت می‌کند:

- میزان پراکندگی فضایی جمعیت و اهمیت مکان مرکزی
- قیمت رضایت بخش کالا و خدمات برای خریداران
- فاصله مناسب اقتصادی
- کیفیت کالا و قیمت آن در مکان مرکزی^{۵۶}

۲-۴-۲- راهبرد توسعه روستا شهری

یکی دیگر از راهبردهای رویکرد مذکور منظومه کشت شهری یا توسعه روستا- شهری (اگر و پلتین) می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که مفاهیم و راهبردهای نوینی از دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به زوال برنامه‌ریزیهای توسعه مطرح شد. راهبرد نیازهای پایه^{۵۷} از

گرفت. این مدل نظام فضایی را به دو زیر نظام «مرکز» و «پیرامون» تقسیم نمود و رابطه بین این دو نظام را استعماری دانست که قطبی شدن در مرکز و حاشیه‌ای شدن در پیرامون را به دنبال دارد.

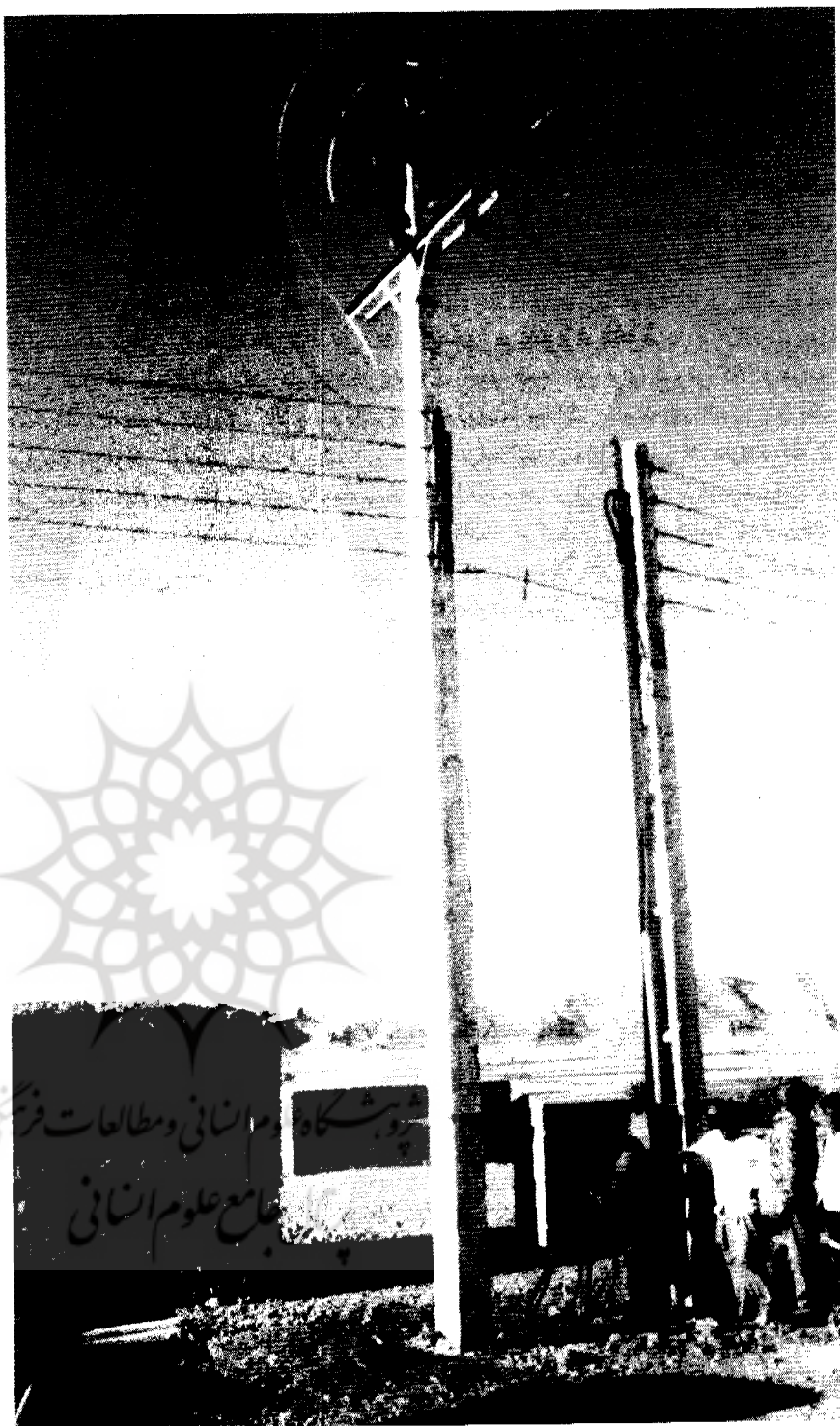
راهبرد «نیازهای پایه» چرخش آشکاری بود از راهبردهای متداول «تولید - محور»^{۶۵}، صنعت مدار و شهرگرا به سوی راهبرد «مردم محور»^{۶۶}، کشاورزی مدار و روستاگرا.

رهیافت «اگروپلتین» (کشت - شهری) برآمده از مدل مرکز - پیرامون بود که مانع اصلی توسعه ناحیه رادر زهکشی منابع به سوی خارج می‌دید. با توجه به منطق قطب رشد که حداقل تجمع را لازمه صرفه جویی‌ها و کارایی سرمایه‌گذاری می‌دانست و برخاسته از انتقاد جانبداری شهری که فقدان قدرت سیاسی روستا علت بنیادی عقب ماندگی اعلام می‌کرد و نیز تحت تأثیر مستقیم راهبرد نیاز پایه که رفع فقر و ایجاد اشتغال، خوداتکایی و تأمین نیازهای اساسی را محور قرار می‌داد، به وجود آمد. رهیافت کشت - شهری (اگروپلتین) که برای نواحی روستایی فشرده در آسیای جنوب شرقی و جنوبی مطرح شده بود، موارد زیر را جهت توسعه ناحیه‌ای با اکثریت روستایی پیشنهاد کرده است: درون ناحیه‌ای بودن، حفاظت گرا بودن، خودگردانی و نهادینه شدن مشارکت و...

اگر قرار است منظومه کشت - شهری توسعه یابد، توسعه را خود تعیین کرده، خود راه انداخته و خودساخته و خود صاحب می‌شود. در رابطه با مناسبات بین منظومه‌ها، پیشنهاد شده که نظام اداره ناحیه به صورت شورایی از نمایندگان منظومه‌ها باشد که این شورا رابط بین سطح محلی (منظومه) و سطح ملی نیز محسوب می‌شود.^{۶۷}

۳-۴-۲ راهبرد یوفرد

یکی دیگر از راهبردهای حاصل از این رویکرد، راهبرد نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی و ناحیه‌ای است که به «یوفرد»^{۶۸} معروف است. این راهبرد شامل مراحل زیر می‌باشد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، نقشه کشی تحلیلی، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی،



همچنین «شتور»^{۶۱} و «تاتلینگ»^{۶۲} کمابیش با جهت گیری مشابهی، «فضای محصور منتخب»^{۶۳} را جدا از فریدمن و دوگلاس پیشنهاد نمودند. برای درک این نظریه‌ها، باید مدل «مرکز - پیرامون»^{۶۴} و راهبرد نیازهای پایه شرح داده شود.

تبیین مدل مرکز - پیرامون براساس تحقیقات فریدمن در آمریکای جنوبی صورت

پرنفوذترین این راهبردها بود که توسط سازمان جهانی کار^{۵۸} تدوین و چند سال بعد (در سال ۱۹۷۶) به تصویب کشورهای شرکت کننده در کنفرانس جهانی اشتغال رسید. به موازات اشاعه این راهبرد، نظریات متعددی در دگرگونی راهبردهای متداول ابراز شد. از جمله «فریدمن»^{۵۹} و «دوگلاس»^{۶۰} با نگرش فضایی توسعه «اگروپلتین» را پیشنهاد کردند.

تجزیه و تحلیل دسترسی، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم استراتژیهای توسعه فضایی، نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازیابی و نهادی کردن تحلیل‌های فضایی در برنامه ریزی روستایی و ناحیه‌ای^{۶۹}.

راهبرد مذکور اطلاعات بسیاری در اختیار برنامه‌ریزان و سیاستگذاران می‌گذارد. به طوری که بتواند سرمایه‌گذارها را در جهت ایجاد یک الگوی متعادل جغرافیایی در زمینه توسعه اقتصادی و فیزیکی توزیع نمایند. راهبرد مذکور فرض می‌کند که شهرکها و مکانهای کوچک (به عنوان بازار محصولات کشاورزی) به جهت اینکه خدمات اجتماعی اساسی و امکانات عمومی را برای جمعیت روستایی فراهم می‌آورند و به واسطه ارتباط و پیوند با یکدیگر و با نواحی روستایی اطرافشان می‌توانند به عنوان مبنای فیزیکی شبکه اسکلت بندی شده در راستای توسعه ناحیه‌ای مطرح باشند.

۴-۴-۲- راهبرد نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها و برنامه ریزی مراکز روستایی

یکی دیگر از راهبردهای مهم رویکرد مذکور نظام سلسله مراتبی سکونتگاهها و

باشد که برای انتقال رشد اقتصادی و تأمین خدمات و کالاها کافی مناسبتر باشد. یکی از ابعاد راهبرد توسعه ناحیه‌ای آن است که با برقراری توازن بیشتر و ایجاد نظام تقویت متقابل مکانهای مرکزی، کارکرد شهر و روستا را یکپارچه کرده تا بدین وسیله یک سلسله از امور ضروری در دسترس واقعی سکونتگاههای روستایی قرار گیرد. بنابراین راهبردهای توسعه باید بر روی نظام فضایی که ساختاری سلسله‌مراتبی داشته و پیوند میان اجزای آن تقویت شده است، متمرکز باشد. از این رو برای اینکه یک نظام کاملاً مجهز مراکز روستایی در اختیار روستاییان قرار گیرد، باید رشد متوازن منظومه سلسله مراتبی در سطوح میانی و پایینی و توزیع اندازه سکونتگاهی موردتأکید ویژه قرار گیرد. در این راستا به کارگیری مدلهای کمی در برنامه ریزی ناحیه‌ای موردتوجه قرار می‌گیرد. ولی در به کارگیری مدلهای کمی باید این نکته را به خاطر داشت که به جغرافیای ادراک رفتاری محیطی به عنوان یکی از ارکان اساسی برنامه ریزی ناحیه‌ای به همراه مدلهای کمی و مکمل آنها توجه نموده و رهیافتهای حاصل از آن را به کار گرفت.^{۷۰} این راهبرد در برنامه ریزی ناحیه‌ای در

مطرح شده است. نظریه نظام سلسله مراتب سکونتگاهها^{۷۱} بر چند پایه مهم فکری بنا شده است، مهمترین پایه فکری در این نظریه نشأت گرفته از نظریه مکان مرکزی (که توسط کریستالر، لوش و گالین پیشنهاد شده است) می‌باشد.

«جانسون»^{۷۳} جمع بندی نظریه‌ها را در گروه سیاستگذاری فضایی برای دستیابی به توسعه دانست. ولی کلید توسعه روستاها را در وجود شبکه‌ای از شهرهای کوچک که واسطه ارتباط با شهرهای بزرگ می‌شوند، دیده است. در واقع دسترسی فضایی به فرصتها و تولیدات را با ایجاد و یا تقویت این گونه شهرها پیشنهاد نموده است. «رندیلی»^{۷۴} رهیافتی به نام «عملکردهای شهری در توسعه روستایی»^{۷۵} ارائه داده که در مؤسسه «کمکهای بین‌المللی آمریکا»^{۷۶} مورد استفاده قرار گرفته است. در این رهیافت، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند با حوزه‌های روستایی، محور قرار گرفته تا تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه پشتیبانی و تجاری کردن کشاورزی و... و سرانجام سازماندهی و مدیریت توسعه را برآورده سازند. «رندیلی»^{۷۷} بر کردن خلأ سلسله مراتبی را از بالا به پایین موردتوجه قرار داده است ولی برخلاف نظریه

توسعه یکپارچه ناحیه‌ای عبارت است از روشی برای اجرای همزمان فعالیتهای مربوط به برنامه ریزی چند منظوره که این فعالیتها در هر دو سطح کلان و خرد صورت می‌پذیرند که شامل سه بخش اقتصادی یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات بوده و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای را شامل می‌گردد. ویژگیهای اصلی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای عبارتند از: هماهنگی بین بالا و پایین، یکپارچگی میان بخشی و برقراری روابط متقابل بین چهار جنبه اصلی توسعه یعنی اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی.

رندیلی، پژوهشگر مشهور هندی «میسرا»^{۷۷} ساختن چنین نظامی را عمدتاً از پایین به بالا مدنظر قرار داده است. اواز ناحیه‌ای کوچک (دارای جمعیتی بین ۱۰ تا ۱۵۰ هزار نفر از روستاییان) با امکان مشارکت و مداخله مستقیم مردم در برنامه ریزی توسعه مربوط به خود شروع کرده و به سلسله مراتبی که علاوه بر عملکردها به چگونگی اداره واحدهای

فرایند توسعه، میانه‌ای از دو حد تمرکزگرایی (مانند قطب رشد) و تمرکززدایی (مانند منظومه کشت - شهری) را برگزیده و تجمیع غیرمتمرکز و به عبارت بهتر «تمرکززدایی باتجمیع»^{۷۸} را پیشنهاد کرده است. این نظریه در حقیقت راه حلی اصلاح طلبانه برای کاستیها و نارساییهای توسعه فضایی متداول که قطبی شده و اختلافات ناحیه‌ای را ایجاد کرده بود،

برنامه ریزی مراکز روستایی می‌باشد. بسیاری از کشورهای در حال توسعه فاقد الگوی استقرار هستند و در سلسله مراتب سکونتگاهی مراکز میانی و واسطه کاملاً مجهز و مراکز سطح پایین وجود ندارد و یا اینکه مراکز کنونی بخشی از نظام سلسله مراتب نقاط مرکزی را که از نظر کارکردی یکپارچه می‌باشد، تشکیل نداده‌اند. نظام فضایی پدید آمده باید به گونه‌ای

نفوذ بازار فروش کالا و خدمات، به دو بخش تقسیم می‌شود؛ محدوده داخلی بازار فروش و محدوده خارجی بازار فروش که با حداقل میزان مصرف کالا مشخص می‌شود. کالاها و خدماتی که در یک مکان مرکزی بزرگتر عرضه می‌شوند، محدوده‌ای بزرگتر از محدوده بازار فروش مکان مرکزی کوچکتر خواهند داشت. از این رو در نظام سلسله مراتبی، بزرگترین کانون دارای محدوده بازار فروش وسیعی خواهد بود.

فضایی و ویژگیهای فرهنگی نیز بسیار حساس است، رسیده است.^{۷۸}

توصیه کمیسیون پیرسون در زمینه توسعه بین‌المللی^{۷۹} نیز این است که راهبرد برنامه ریزی در کشورهای در حال توسعه باید بر رشد مراکز روستایی تاءکید کند. بدین منظور که بازار، تسهیلات خدماتی و ذخیره سازی کانی و نیز صنایع کاربر برای فراهم آوری مواد محلی را فراهم نماید.^{۸۰} خصایص این الگو را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- این الگو حاصل بازنگری در راهبرد حداقل نیازهای اساسی است.
- مراکز روستایی عمدتاً نقاطی هستند که در جهت دادن به انگیزه ایجاد مراکز توسعه‌ای باید تسهیلات وام‌کاناتی را در سطح قابل قبول در آنها مستقر شوند. تمرکز این تسهیلات نیل به تخصص مناسب و مؤثر در زمینه خدمات و همچنین ایجاد تحرک کنترل شده توسعه را در پی خواهد داشت.
- این الگو در رهیافت خود بسیار میانه رو بوده و هدف آن فوریت بخشی و تقویت یک شبکه نقاط مرکزی در قسمت روستایی و توزیع مراکز زیستگاهی یعنی در مراکز پایین تر سطح و مراکز صلح میانی می‌باشد.

۵-۴-۲- راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

راهبرد توسعه یکپارچه، به عنوان شکل واسط برنامه ریزی بین سطوح منطقه‌ای تلقی می‌شود. اگر ناحیه، کوچکتر از منطقه و به

عنوان یک شهرستان یا یک بخش در نظر گرفته شود، سازماندهی برنامه ریزی برای اجرای طرحهای یکپارچه در این سطح آسانتر به نظر می‌رسد. مهمترین دلایلی که برای راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای می‌توان برشمرد، به قرار زیر است:

- استفاده بهتر از سرمایه، نیروی انسانی و عوامل تولید
- استخراج بهینه منابع محلی
- مشارکت آزادانه مردم در سطح ناحیه
- نسبت به منطقه
- تجانس ناحیه به علت کوچکی نسبت به منطقه
- همکاری بهتر ارگانهای مختلف در امر برنامه ریزی

هدف از این راهبرد، یکپارچه شدن کلیه کارهای توسعه در ناحیه است. در تعدادی از کشورهای جهان که از جزایر کوچک تشکیل شده‌اند، مقوله برنامه ریزی ناحیه‌ای در مقایسه با برنامه ریزی منطقه‌ای توصیه می‌شود. در واقع برنامه‌های توسعه ناحیه‌ای، تمام سطح کشور را پوشش نمی‌دهند، بلکه این برنامه ریزی ابتدای برای قسمتهایی که طرحهای خاصی در زمینه توسعه روستایی در دست اجرا دارند، انجام می‌گیرد. بدین ترتیب برنامه‌های ناحیه‌ای جزئی از جریان عادی فرایند برنامه ریزی ملی نیستند، بلکه در پاسخ به نیازهای خاصی تهیه شده‌اند؛ در واقع برنامه ریزی ناحیه‌ای، برنامه ریزی برای مراکز روستایی است، به شرط

آنکه به پیوند با مراکز شهری بزرگتر در خارج از سلسله مراتب ناحیه توجه کافی مبذول شود.

بنابراین ناحیه مورد نظر باید یک شهرستان یا بخش یا شهرک بازاری باشد تا تمامی سلسله مراتب مراکز روستایی در برنامه وجود داشته باشد. توصیه می‌شود وقتی برنامه‌های منطقه‌ای تهیه می‌شوند، برنامه‌های ناحیه‌ای نیز هماهنگ با آنها ترسیم شوند. توسعه یکپارچه ناحیه‌ای معمولاً شامل طرحهای کوچک است و در نتیجه غالباً باید در چارچوب اداری موجود اجرا شود. در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای برای انطباق ساختار اداری بخش با نیازهای فضایی طرح، دو راهبرد زیر توصیه می‌شود:

- ۱- عدم تمرکز برنامه ریزی و اجرا به طوری که مقامهای محلی کنترل و اعمال نظر بیشتری بر روی پروژه داشته باشند.
- ۲- تشکیل کمیته‌های هماهنگی در سطوح ناحیه‌ای،

روند برنامه ریزیهای چند دهه گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از برنامه‌های توسعه به خاطر داشتن تفکر تک بعدی و در نظر نگرفتن روابط شهر و روستا با شکست مواجه شده‌اند. لذا برنامه ریزی ناحیه‌ای باید دارای تفکر توسعه یکپارچه باشد. به عبارت دیگر توسعه یکپارچه ناحیه‌ای عبارت است از روشی برای اجرای همزمان فعالیتهای مربوط به برنامه ریزی چند منظوره که این فعالیتهای در هر دو سطح کلان و خرد صورت می‌پذیرند که شامل سه بخش اقتصادی یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات بوده و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی فرایند توسعه یکپارچه ناحیه‌ای را شامل می‌گردد. ویژگیهای اصلی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای عبارتند از: هماهنگی بین بالا و پایین، یکپارچگی میان بخشی و برقراری روابط متقابل بین چهار جنبه اصلی توسعه یعنی اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی.^{۸۲}

۴-۲- راهبرد توسعه زیست ناحیه

«زیست - ناحیه در مجموع معادل «قلمرو زندگی»^{۸۳} است و سطح جغرافیایی قابل تشخیصی است که شامل نظامهای زندگی به هم پیوسته و خود نگهداری (از نظر بازتولید طبیعت) بوده و در نتیجه روابط ارگانیک بین تمامی اعضای ناحیه برقرار است.» در این زمینه ملاکهایی مانند حوضه آبریز، پراکندگی گونه‌های حیاتی، فرهنگ بومی و... برای مرزبندی به کار گرفته می‌شود تا حیطه اصلی هماهنگی اجتماعات با طبیعت شناسایی شود.

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و به موازات واکنشهای مخالفی که در برابر تعبیر راهبردهای متداول اوج گرفت، به تدریج فلسفه نوینی با عنوان «زیست ناحیه یا منطقه» عمدتاً در امریکای شمالی شکل گرفت که مفهوم توسعه در محدوده ناحیه، نقش محوری در آن داشت. این فلسفه، اجزایی هماهنگ از باورها و اندیشه‌های مخالف در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بوم شناسی را گردآوری کرده و در راهکار ایجاد زیست - ناحیه تدوین کرده است.

برای پی بردن به نظریات زیست - ناحیه، ضروری است مفهوم ویژه‌ای از «اجتماع»^{۸۴} را مورد توجه قرار داد که در آن ساکنان زیست - ناحیه نقش اصلی را دارند. برای درک نقش راهبردی اجتماع به مباحث زیر باید توجه نمود:

الف) از بعد اجتماعی به هدف توسعه یعنی مردم توجه شود. اجتماع مناسبترین بستر برای توسعه می‌باشد.

ب) به جغرافیایی ادراک رفتاری و محیطی توجه گردد. ایجاد پیوندی متقابل و رابطه‌ای متعادل و متوازن بین انسان، اجتماع و طبیعت باعث می‌شود که در کشش آدمی به سوی فضای مانوس و حافظ او قدرت بیشتری بیابد. پ) از بعد اقتصادی، تجارب جهانی بیانگر آن است که بین رشد اقتصادی با شکل و محتوای امروزی و پیشرفت بشر همبستگی وجود ندارد. لذا ضروری است ویژگیهای ضد اجتماعی اقتصاد کنار گذاشته شده و معیارهای اخلاقی و فرهنگی اجتماع، راهبر کارگزاران اقتصادی گردد.

ت) از بعد زیست محیطی، راهبردهای

متداول توسعه در دهه‌های اخیر، عملکردهای نگران کننده‌ای داشته است. فهرست بلندی از روندهای مخرب محیط زیست وجود دارد که دائم در حال افزایش است. روابط اکولوژیک و بوم شناسانه در انگاره مسلط توسعه به خاطر پیروی از رشد اقتصاد مطلق، نادیده گرفته شده است و آثار منفی برگشت ناپذیری بر محیط و منابع طبیعی گذاشته است. بنابراین در مقابل توسعه کنونی، به توسعه‌ای پایدار نیاز می‌باشد.^{۸۵}

نتیجه

کشورهای مختلف دنیا شیوه‌های گوناگونی از توسعه روستایی را انتخاب کرده و به کار گرفته‌اند. با توجه به دقت در ماهیت روابط خارجی آنها (الگوی ورود و مشارکت در اقتصاد جهانی) و بعضی از شرایط ملی مانند وجود منابع خداداد و فشار جمعیت بر آنها سطوح فنون به کار گرفته شده و ایدئولوژی توسعه، قابل تشخیص و تمیز می‌باشند. این تجربیات طیف وسیعی از سیاستها، یعنی از اشتراکی^{۸۶} کاملاً آشکار تا سرمایه داری^{۸۷} صرف را در بر می‌گیرد. به طور کلی با توجه به تجارب و دستاوردهای جهانی، می‌توان گفت که برنامه ریزی توسعه روستایی در دستیابی به اهدافش از جمله توسعه انسانی با ناکامی روبه‌رو بوده است. برای اکثریت مردم شرایط زیست بهبود نیافته و برای درصد قابل توجهی بدتر هم شده است. این فرایند توسعه ناموزون (شامل رشد سریع همراه با بی عدالتی، فقر و بیکاری) هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی، بین کشورها و درون هر کشوری پدید آمده است.

دقت نظر در رویکردها و راهبردهای به کار

بررسیهای انجام گرفته در رویکردها و راهبردها در طرحهای توسعه روستایی در داخل و خارج از کشور چنین نتیجه می‌گیریم که تنها برنامه‌ای که به طور هماهنگ و همزمان می‌تواند جمع جمیع مسائل حیات روستایی با در نظر گرفتن نقاط مثبت تمامی راهبردها و دافع تأثیرات سوء آنها باشد طرحی است که در قالب سیاستهای توسعه پایدار دنبال گردد. به طوری که علاوه بر بهبود شرایط سکونت و توزیع عادلانه درآمد و امکانات با شرایط زمانی و مکانی نیز انطباق لازم را ایجاد نماید و تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت زیست روستاییان فقیر داشته باشد

71. Condentrated Dedentralization
Human Settement System
72. Hierarchical
73. Jhonson
74. D. Rordineli
- Functions in Rural - Development
75. Urban
76. U.S.A.I.D
77. R.P. Mista

۷۸- صرافى، مظفر (۱۳۷۷)، مبانى برنامه ريزى منطقه‌اى، تهران سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۲۸-۱۳۲.

برای مطالعه بیشتر در مورد راهبرد نقش کارکردهای شهری توسعه روستایی به ماخذ زیر مراجعه شود:

- حسین آسایش (۱۳۷۹)، جزوه توسعه روستایی، تهران، واحد علوم و تحقیقات ص ۵۱-۵۲.

- 79- Pearson Commission (1970)
International Development

۸۰- مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی، مترجمان سید جواد میر و دیگران، تهران مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، سلسله انتشارات توسعه و روستا، ص ۱۰۱-۱۵۲-۱۵۴.

۸۱- کرامت الله زیاری (۱۳۷۸) اصول و روشهای برنامه ریزی منطقه‌ای، یزد، دانشگاه یزد، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۸۲- استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با توسعه پایدار و یکپارچه، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.

- 83 Life Territory
- 84 Community

۸۵- برای مطالعه بیشتر به ماخذ زیر مراجعه شود:

- صرافى، مظفر (۱۳۷۷)، مبانى برنامه ريزى منطقه‌اى، تهران سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۳۶-۱۲۶.

86. Sociululist
- 87- Capitulist

۸۸- برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه گردد:

-Escap (1979) Guidelines for rural center planning, NewYork, United, P. 53-57.

-International Labour Office (1977) Employment Growthand basic needs, Praeger Publishers, P. 189-208.

-The spirit of community, NewYork, Sinom-schuster saralf, P. 38-40.

47. Participatory Rural Apprasial
48. Rapid Rural Apprasial

۴۹- عبدالرضا مسلمی (۱۳۷۷)، گزارش دوره آموزشی روشهای برنامه ریزی توسعه یکپارچه روستایی در کشور بنگلادش، تهران، وزارت جهاد سازندگی (سابق)، معاونت ترویج و مشارکت مردمی (سابق)، دفتر مشارکت و بسیج مردمی، صفحه ۱۶.

50. Project Cycle Managment

۵۱ همان ماخذ ص ۲۸-۲۳.

52. Walter Chrisaller (1893-1969)

53. J.H.Vontunen

54. Alfered Weber

- 55 August Losh

۵۶- برای مطالعه بیشتر در مورد نظریه‌های مکانی به ماخذ زیر مراجعه گردد:

- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۷)، طرح ملی ساماندهی فضا و مراکز روستایی، ص ۲۳۵-۲۳۸.

-فرید، بدالله (۱۳۶۵) شهر و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، ص ۵۰۴-۵۱۰.

. شکوتی، حسین (۱۳۶۸) جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس.

57. Basic Needs

- 58 LLO

59. J. Friedman

- 60 M. Coughlass

- 61- W. Stohr

62. F. Todtling

63. Selective Spatial Closure

- 64- Core Periphery

65. Production Centered

- 66 People Centered

۶۷- برای مطالعه بیشتر به ماخذ زیر مراجعه شود:

- صرافى، مظفر (۱۳۷۷)، مبانى برنامه ريزى منطقه‌اى، تهران سازمان برنامه و بودجه، ص ۱۱۸-۱۲۸.

- حسین آسایش (۱۳۷۹)، جزوه توسعه روستایی، تهران، واحد علوم و تحقیقات ص ۴۸-۵۰.

- 68- Urban Functions in Rural
Development (U.F.R.D)

- 69- Dennis A. Rondinell (1981)

Applied methods of regional analysis,
P. 3844

۷۰- استعلاجی علیرضا (۱۳۸۰)، نقشه جغرافیای کاربردی در برنامه ریزی روستایی، مشهد، سمینار قابلیت‌های جغرافیا در برنامه ریزی توسعه.

رفته (از سیاستهای مبتنی بر توسعه کالبدی گرفته تا طرحهای توسعه اقتصادی - اجتماعی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و برنامه‌های قطبهای برتر متمرکز دهه‌های ۷۰ و ۸۰) نشان می‌دهد که فرایندهای توسعه روستایی تاکنون نه تنها نتیجه مثبت و اساسی نداشته است، بلکه بدون انطباق یافتن با شرایط زمانی با نوعی سردرگمی و اغتشاش عملکردی نیز مواجه گردیده است. از مجموعه بررسیهای انجام گرفته در رویکردها و راهبردها در طرحهای توسعه روستایی در داخل و خارج از کشور چنین نتیجه می‌گیریم که تنها برنامه‌ای که به طور هماهنگ و همزمان می‌تواند جمع جمع مسائل حیات روستایی با در نظر گرفتن نقاط مثبت تمامی راهبردها و دافع تأثیرات سوء آنها باشد طرحی است که در قالب سیاستهای توسعه پایدار دنبال گردد. به طوری که علاوه بر بهبود شرایط سکونت و توزیع عادلانه درآمد و امکانات با شرایط زمانی و مکانی نیز انطباق لازم را ایجاد نماید و تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت زیست روستاییان فقیر داشته باشد.^{۸۸} براین اساس می‌توان گفت توسعه پایدار برآیندی از رویکرد خدمات محور، اقتصاد محور و تحول در تولیدات، رویکرد اجتماعی و بسط مشارکت مردمی و زیست ناحیه‌ای می‌باشد. بطوری که نیازهای حال برطرف شده و مشکلی در رفع نیازهای آیندگان بوجود نیاید.

به علت ذکر منابع و ماخذ در شماره پیش از آوردن آنها در این شماره اجتناب شده است.

پی‌نوشت‌ها

(علت شروع پی‌نوشت‌ها با شماره ۴۶، ادامه قسمت اول مقاله است که به شماره ۴۵ منتهی شده بود)

۴۶- برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه گردد:

- استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۰) آشنایی با نظام برنامه ریزی روستایی و نقش شورا در آن با تأکید بر شیوه‌های مشارکتی، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

- استعلاجی، علیرضا و عبدالرضا مسلمی (۱۳۸۰) آشنایی با مدیریت محلی و برنامه ریزی منطقه‌ای، تهران، انتشارات جهاد کشاورزی.

- علیزاده، نادر (۱۳۷۸) توسعه یکپارچه روستایی، تهران، واحد علوم و تحقیقات.